

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال سوم، پاییز ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۱۱، ص ۱۶۷-۱۷۲

## قراء (۱)

## تی. ناگل

## ترجمه: علی ناظمیان فرد\*

نوشتار حاضر مختصراً به ارائه تصویری از قرا می‌پردازد. مؤلف کوشیده با تفکیک میان قاری و اهل القراء نشان دهد که اطلاق واژه قراء در معنای قاریان قرآن به کسانی که بستر روش خوارج شدند و نیز حصر نظر در این جنبه، موجب ابهام و حتی گمراه‌کنندگی در تاریخ اسلام شده است، زیرا به عقیده مؤلف اگر قرا را قاریان قرآن بشماریم لاجرم این قاریان باید کسانی باشند که قرائت ویژه‌ای از قرآن را به کار می‌برده‌اند یا در باب اعتبار دستورات قرآنی دیدگاه‌های غیر متعارفی داشته‌اند، حال آن که در رساله‌های مربوط به بدعت‌نگاری یا قرائت نامه‌های قرآن نشانی در جهت اثبات این نظر دیده نمی‌شود، لذا مؤلف بر این باور است که قرا همان اهل القراء (روستاییان) هستند که پس از شرکت در نبردهای اولیه علیه ساسانیان در عراق ساکن شدند و اراضی خالی از سکنه جنوب عراق را تصاحب کردند و چون منافعیشان در عصر حکومت عثمان به مخاطره افتاد در ناآرامی‌های این دوره شرکت کردند و سرانجام این که گروهی از همین قاریان بودند که پدیده خوارج را آفریدند.

واژه‌های کلیدی: قراء، قاری، اهل القراء، اهل الایام، تازه واردین، صوفی، اراضی ذمه،

حکمیت، خوارج.

\* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام - دانشگاه تهران.

اصطلاح قرآ (جمع قاری) که در تاریخ نگاری عرب از آن سخن می‌رود به گروهی از عراقی‌ها اطلاق می‌شود که علیه عثمان و سپس علی [ع] پس از پذیرش حکمیت به‌پاخواستند. در تحقیقات اروپایی، کلمه قرآ معمولاً به قاریان قرآن ترجمه شده است. (قرآء ← قَرَاءَ = خواندن).

برونو نخستین مورخی بود که کوشید نقش قرآ را به مثابه یک گروه مستقل - که در درون جنبش خوارج ناهمگن، عمل می‌کردند - بررسی نماید. نتایج کار برونو تا حدی از سوی ولهاوزن که تلقی می‌کرد آنها حرکت مستقلی نبوده‌اند که در زمان معینی در خوارج ادغام شده باشند رد گردید. ولهاوزن ادعا می‌کرد قرآ که ارتباط تنگاتنگی با فقه‌های خبره داشتند حلقه وسیعی را گرداگرد آنها تشکیل دادند که هسته مرکزی آن را متعلمین مذهبی شکل می‌دادند. بنا به گفته ولهاوزن تأملات و سواس آمیز و شور و حرارت مذهبی، قرآ را برآشفته نمی‌کرد تا آن‌ها را به اقدام علیه حاکمیت اسلامی - که به زعم آنها در اجرای احکام کتاب الله ناکام مانده بود وادار سازد.

شور و شوق آنها به اسلام زمانی آشکار شد که در نبردهایی علیه شورش رده (نبردهای یمامه و عقرباء) شرکت کردند. آنها در طول نبرد علی [ع] در برابر طلحه و زبیر با همه توان به او ملحق شدند و در نبرد نافرجام (صفین) نیز از علی [ع] در برابر معاویه حمایت کردند. هنگامی که شامیان پیشنهاد توسل به حکمیت قرآن را دادند قرآ در ابتدا از این که علی [ع] این پیشنهاد را پذیرفت ابراز رضایت کردند اما وقتی که نتایج مصیبت بار حکمیت عیان شد به مخالفت با او برخاستند و بی‌رحمانه وی را مقصر پنداشتند که قضاوت بشری را بر داوری خدا ترجیح داده است. گفته می‌شود قرآ در شورش‌های خوارج علیه علی [ع] و سپس معاویه افراطی‌ترین عامل محرک بودند.

شرح و بیان ولهاوزن از قرآ نشانگر دیدگاه کلی او در باب جناح‌ها و دستجات صدر اسلام است که محصول کشمکش‌های سیاسی - مذهبی می‌باشد. این نظر که معطوف به بررسی توسعه اندیشه سیاسی و مذهبی در اسلام بود بسیار ثمر بخش می‌نمود، اما مانع از درک ما از درگیری‌های اجتماعی‌ای می‌شد که به موازات کشمکش‌های مذهبی رخ می‌داده است.

بنابراین، توصیفی که تا سال‌های اخیر از شخصیت قرآ به عمل آمده مبهم یا حتی گمراه کننده بوده است. به راستی اگر قرآ گروهی بودند که قرائت ویژه‌ای از قرآن را به کار می‌بردند یا در باب اعتبار دستورات قرآنی دیدگاه ویژه‌ای داشتند، پس چرا نمی‌توان در رساله‌هایی که به مسأله بدعت پرداخته‌اند یا قرائت نامه‌های قرآن نشانی از آنها یافت. علاوه بر این احتجاج آرام، انسان به تردید می‌افتد آیا این انگاره ولهاوزن - که تقریباً مقبولیت عام یافته است - درست می‌باشد که قرآ پس از شکست سیاسی علی [ع] با توبه از ناکامی خیالی خود به هواداران متعصب قرآن بدل شدند؛ زیرا بر طبق منابع، آنها هرگز یاوران صمیمی در جناح علی [ع] نبودند، از این رو هیچ دلیلی نداشتند که خود را خائن بپندارند، چرا که آنها علی [ع] را مجبور کرده بودند تا تعیین حکمین را پذیرا شود.

در تحقیقات اخیر که درباره این موضوع به عمل آمده، برای از سرگیری ایده برونو به گروه‌های اجتماعی عطف توجه شده است. جی.ام. هیندز در یک بررسی مفصل و دقیق در خصوص دسته بندی‌های سیاسی کوفه، تصویر کاملاً جدیدی از قرآ ترسیم کرده است. او اظهار می‌دارد در ابتدا کسانی موسوم به قرآ شدند که علیه سعید بن عاص - که از سوی عثمان تا سال ۳۳ق (۶۵۳م) بر کوفه حکومت می‌کرد - متفقاً وارد عمل شدند. سندی که هیندز به آن استشهاد کرده، اثبات می‌کند اغلب آنها مردمی بودند که در آغاز فتوحات [اسلامی] در جنوب عراق ساکن شده و امتیازات ویژه‌ای را به دست آورده بودند، اما در عصر عثمان وضعیت سیاسی جنوب عراق به سرعت در حال تغییر بود. کسانی از نخستین وارد شدگان [به جنوب

عراق] که نتوانستند موقعیت خود را در پیوند با نفوذ مردمی افراد پر نفوذ قبیله‌شان تحکیم بخشند به تدریج نفوذ خود را از دست دادند. [مالک] اشتر و یزید بن قیس که نقش عمده‌ای در مشکلات بعدی داشتند از زمره نخستین وارد شدگانی بودند که بیم آن داشتند مبادا از موقعیتشان برکنار شوند. وضعیت آنها زمانی وخیم‌تر شد که عثمان به رزمندگان قادسیه - که در این زمان در مدینه ساکن بودند - اجازه داد سهم خود از زمین‌های عراق را با مایملک ارضی در شبه جزیره عربی معاوضه نمایند. برای حل این مسأله پیش از هر چیز، می‌بایست املاک صوافی و اراضی ذمه به طور دقیق مشخص شوند. نخستین مهاجران [به جنوب عراق] گمان می‌کردند که با این اقدامات حکومتی متضرر خواهند شد، لذا از بیم آن که مبادا بر حقوق مورد ادعایشان ضربه‌ای وارد شود سعید بن العاص را از مقامش برکنار کردند و ابوموسی اشعری را به حکومت کوفه برگزیدند.

هر چند [مالک] اشتر در فهرست قاتلان عثمان جای داشت، اما قرآ در طول حوادثی که به قتل عثمان منجر شد نقشی فرعی ایفا نمودند.

زمانی که علی [ع] به نزدیکی‌های کوفه رسید رهبران قدرتمند قبیله‌ای به او ملحق نشدند، چنین می‌نمود که به یک موقعیت بی‌طرفانه‌ای تمایل یافته بودند تا بهترین خدمت را در راستای منافعشان به انجام رسانند. علی [ع] که سیاست مساوات اسلامی را تعقیب می‌کرد حتی حاضر نشد که با آنها تسویه حساب کند. سپس میان او و نخستین وارد شدگان محروم ائتلافی پدید آمد. [مالک] اشتر، حجر بن عدی و عدی بن حاتم که گفته می‌شد از قرا هستند اکنون از رهبران شیعه محسوب می‌شدند. قرآی مذکور در طول نبرد صفین به عنوان عناصر فرا قبیله‌ای مجزا از علی [ع] حمایت می‌کردند. هنگامی که معاویه پیشنهاد حل موارد از طریق حکمیت را داد قرا با اصرار، علی [ع] را وادار به پذیرش این طرح کردند، زیرا گمان می‌کردند این صلح، علی [ع] را قادر خواهد ساخت با در پیش گرفتن یک مشی اسلامی از تفوق و تسلط

تازه واردین به [عراق] جلوگیری نماید. وقتی احساس کردند رؤیاهایشان تحقق نخواهد یافت علیه علی [ع] - که حاضر به صرف نظر کردن از حکمیت نبود - تغییر موضع دادند. علی [ع] با اعطای مناصب عالی به برجسته‌ترین قرا کوشید تا این مخالفت خطرناک داخلی را فرو نشاند، اما بیشترین قرا دشمنان ناسازگار او شدند. در حرکت‌های خوارج در قرن اول قمری، آنهایی [از قرا] که اغلب ذکرشان رفت فعال‌ترین گروه‌ها بودند.

در پرتو نتایج جدید، ارجاع دادن قرا به قاریان قرآن نسبتاً بی‌معنا به نظر می‌رسد. شعبان نخستین کسی بود که تفسیر جدیدی [از این موضوع] به دست داد. او اظهار داشت قرا به معنای روستاییان [اهل القرا] می‌باشد و به کسانی اطلاق می‌شده که در جنگ‌های نخستین [اهل الایام] علیه امپراتوری ساسانی شرکت کرده و اراضی خالی از سکنه در جنوب عراق را تصاحب کرده بودند و امتیازاتشان عملاً پس از به حکومت رسیدن عثمان مورد تهدید قرار گرفته بود. شعبان و جی. اچ. ای. یان بل شواهدی را برای تأیید این نظریه آورده‌اند اما این امر هنوز محدود به ساحت اندیشه مانده است. چنین می‌نماید که تحویل قرا به قاریان قرآن، ناشی از این واقعیت معروف است که محمد (ص) بر سبیل عادت قاریانی را جهت تقویت روحیه رزمندگان اسلام برمی‌گماشته است. (رک: صالح احمد العلی، *التنظیمات الاجتماعیه و الاقتصادیه فی البصره*، ص ۵۶، بیروت، ۱۹۶۹).

گذشته از این، قرای عراقی به قرآن متوسل شده بودند و این کار نه از آن جهت بود که دارای دکتترین خاصی در این باره بودند بلکه از آنجا که عطف به سنت «بد تعریف شده» در پیمان حکمیت برای منافع آنان مخاطره‌آمیز می‌نمود می‌خواستند در این مورد واقعی بر داوری قرآن تأکید ورزند.

**پی نوشت:**

۱. این مقاله ترجمه مدخل قرآء KURRA در EI(2) می باشد.

**منابع:**

- R. Brunnow, *Die charidschitem unter den ersten omayyaden*, Leiden, 1884.
- Wellhausen, *Die religios-politischen oppositeons partien im alten Islam*, Berlin, 1901.
- G. M. Hinds, *Kufan Political alignments*, in I. J. M. E. S. 2 (1971).
- Idem, *the murther of uthman in I. J. M. E. S.* 3 (1972).
- M. A. Shaban, *Islamic History*, A. D. 600-750, cambridge, 1971.
- G. H. A. Junboll, *the Qurra in early Islamic History in J. E. S. H. O. 16* (1973).
- Idem, *the Qurán reciters on the battle field & Concomitant issues in Z. D. M. G. 125* (1975).